

نقش امام هادی علیه السلام در جهت دهی به مباحث فکری و عقیدتی

پیرامون قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۵

امیر فتّاحی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

علی دشتی؛ دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث

چکیده

مقاله حاضر مهمترین مباحث فکری و عقیدتی درباره قرآن کریم در عصر امام هادی علیه السلام و اقدامات و تدابیر حکیمانه این امام همام در مقابل این مکاتب را بررسی می‌کند. این مقاله سه مبحث و جریان فکری تحریف، حدوث و قدم قرآن و همچنین تفسیر را به عنوان بارزترین مباحث پیرامون قرآن کریم، در این دوره معرفی می‌کند که امام هادی علیه السلام با طرح محورهای اصالت قرآن، عدم پیروی از بدعت‌ها و تبیین و توضیح دقیق مفاهیم ثقل اکبر به موضعگیری حکیمانه در این دوره پرداخته‌اند. این تدابیر، آگاه سازی جامعه اسلامی بخصوص پیروان مذهب تشیع و مصونیت این مذهب در مقابل جریان‌های سوء فکری عقیدتی در این عصر را موجب شد.

کلید واژه‌ها: امام هادی علیه السلام، قرآن کریم، مباحث فکری و عقیدتی.

عصر هادوی و قرآن

عصر امام هادی علیه السلام، عصر دشواری است که که نمود ردای ابراهیم علیه السلام بر تن دارد و فرعون عصای موسی را به دست گرفته است. ابوسفیان در جایگاه پیامبر نشست و یزید ندای توحید و اخلاق برمی آورد.^۱ عباسیان به بهانه وابستگی به پیامبر صلی الله علیه و آله بر کرسی خلافت نشستند و شمشیرهای دفاع از اسلام را شکسته و حلقوم‌ها را بریده و جگرهای مطهر را با سمّ عداوت پاره پاره کرده‌اند. در این عصر، رسالت خطیر پاسداری از همه ارزش‌های دین مبین اسلام در برابر هجوم بی مرز، بر دوش فرزند رشید امام جواد علیه السلام و نوه خورشید خراسان، ابوالحسن امام هادی علیه السلام است. پاسداری از کتاب هدایت و نور و پاسداری از میراث گرانبهای حدیث نبوی و انتقال کامل این معارف به جامعه، برنامه زندگی امام هادی علیه السلام است. ایشان نقش رساندن پیام قرآن به گوش بشریت را برعهده دارند؛ ولی از یک سو فضای پرآشوب و خفقان آور حکومت دژخیمانه عباسیان در دوره معتصم، متوکل، مستعین و معتز و از سوی دیگر رواج بازار داغ مباحث کلامی که نوعاً از بلاد غرب و مکاتب فکری یونان به جامعه اسلامی رسوخ کرده بود و به عنوان مبنای اندیشه و تفکر به شمار می‌رفت، عرصه تبیین و تبلیغ معارف و مفاهیم قرآن کریم را به شدت تحت تأثیر سوء قرار داده بود. در عصر هادوی، عباسیان که با ادّعی پیوند نسبی با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و فریب عوام و بهره‌گیری از شیوه‌های سرکوب‌گرانه ترور، تبعید و زندانی کردن اهل بیت و شیعیان، در اندیشه حفظ قدرت و حکومت خویش بودند، با طرّاحی سیاست شوم خود نقشه تضعیف رکن دیگر تقلین یعنی قرآن کریم را در پیش گرفتند. طرح پنهان و شومی که جامعه اسلامی را به سمت ورطه نزاع و کشمکش و تردید به قرآن الهی سوق می‌داد. قطع کردن حلقه ارتباط اهل بیت با مردم جامعه، توسط حکومت عباسیان، زمینه را برای اجرای این طرح هموارتر می‌کرد. چرا که اهل بیت همواره به عنوان معلّم قرآن به تبیین و تبلیغ معارف قرآن

کریم در جامعه می‌پرداختند؛ ولی اقدامات سرکوب گرانه عباسیان در حقیقت به منزله از هم گسستن پیوند معلّم و مفسر قرآن و جامعه اسلامی بود. در این شرایط با به امامت رسیدن امام هادی علیه السلام و ایفای رسالت الهی و رهبری تشیع و هدایت جامعه اسلامی، با انجام تدابیر حکیمانه و موضعگیری مناسبی که در این زمینه انجام دادند، جامعه اسلامی را از این خطر جدی حفظ نمودند.

۸۱ در این نوشتار مهمترین مباحث فکری پیش روی قرآن کریم در عصر ایشان و نقش این امام همام در رهبری جامعه اسلامی در این برهه از زمان، بررسی می‌شود.

نقش امام هادی علیه السلام در بصیرت آفرینی در فتنه خلق قرآن

یکی از مهمترین و داغ‌ترین جریانهای فکری و عقیدتی در دوران امام هادی علیه السلام جنجال و کشمکش شدید بر سر مخلوق بودن یا مخلوق نبودن قرآن بود. به گفته محققان، بحث در باب مخلوق بودن قرآن، از اواخر حکومت بنی امیه آغاز شد^۲ و نخستین بار «جعده بن درهم»، معلم «مروان بن محمد» آخرین خلیفه اموی، این بحث را مطرح کرد. او این فکر را از ابان بن سمان و ابان نیز از طالوت بن اعصم یهودی فرا گرفته بود.^۳ در دوره عباسیان، گروه معتزله که در مسائل عقیدتی، کند و کاو عقلی بیش از حدی می‌کردند، این بحث را در صفات خدا مطرح ساخته بودند، با قدیم بودن قرآن که اشاعره و اهل حدیث از آن جانبداری می‌کردند، به مخالفت برخاستند. این بحث همچنان بین دو گروه مطرح بود تا آن که «مأمون» به آن دامن زد و آتش اختلاف را شعله ورتر کرد. او فردی دانشمند و آشنا به فلسفه، فقه، ادبیات عرب و اهل بحث و مناظره و دقت علمی بود از همان زمان جوانی به اعتزال گرایش داشت و از مخلوق بودن قرآن جانبداری می‌کرد. فقها و اهل علم از همان ابتدا می‌ترسیدند مبادا وی خلیفه شود و این عقیده را ترویج کند، حدس آنان درست بود. مأمون پس از رسیدن به



قدرت، رسماً از «معتزله» و در نتیجه از نظریه مخلوق بودن قرآن طرفداری کرد و آن را عقیده رسمی دولت اعلام نمود و قدرت دولت را جهت سرکوبی مخالفان این نظریه به کار گرفت و چون مخالفان که در آن زمان اهل سنت نامیده می‌شدند، مقاومت نشان دادند، بحران به اوج خود رسید و جریان از حدّ یک بحث علمی و مذهبی پیرامون مباحث قرآن خارج شد و به یک بحث جنجالی و حادّ عقیدتی - سیاسی تبدیل گردید و صحبت روز شد و همه جا، حتی در میان عوام با حرارت مطرح گشت. تا جایی که مأمون در سال ۲۱۸ قمری فرمانی خطاب به «اسحاق بن ابراهیم»، حاکم بغداد، صادر کرد که باید تمام قضات و شهود و محدثان و مقامات دولتی مورد آزمایش قرار گیرند، هر کس معتقد به خلق قرآن باشد، در کار خود ابقا شود و گرنه از کار برکنار گردد.^۶ این کار که در واقع نوعی تفتیش عقاید بود، در تاریخ، به عنوان «مِحْنَةُ الْقُرْآن»^۵ مشهور شده است. کسی که مأمون - و پس از او معتصم و واثق عباسی - را به این کار تشویق می‌کرد، «ابن ابی دُوَاد»، قاضی مشهور دربار عباسی بود که پس از برکناری «یحیی بن اکثم» قاضی القضاة شده بود.^۶ او که از شهرت و آوازه بلند علمی برخوردار بود و در بذل و بخشش و میزان نفوذ و قدرت در دربار عباسی با برامکه مقایسه می‌شد، در «مِحْنَةُ الْقُرْآن» نقش مهمی داشت و از این رو برخی تصوّر کرده‌اند که بنیانگذار این نظریه او بوده است. در هر حال سختگیری دولت عباسی به جایی رسید که مخالفان مورد شکنجه و آزار قرار گرفتند و زندان‌ها پر از آنان گردید. «احمد بن حنبل» که در دفاع از عقیده خویش پافشاری می‌کرد، تازیانه خورد!^۷ و در زمان حکومت «واثق»، «احمد بن نصر خزاعی» به قتل رسید و «یوسف بن یحیی بُرِیطی»، شاگرد شافعی، مورد شکنجه قرار گرفت و در زندان مصر در گذشت. پس از مأمون و واثق، معتصم آن را دنبال کرد و سخت می‌کوشید تا علما و محدثین را بر قبول آن - اعتقاد به حدوث قرآن - وا دارد. احمد بن حنبل در رأس اهل حدیث که اعتقاد به قدم قرآن داشته و در این باره تحت فشارها و اهانت‌های حکومت

عباسی و حتی به دستور آنها زیر ضربه‌های شلاق نیز قرار گرفت؛ ولی پس از معتمد جانشین او، متوکل جانب ابن حنبل را گرفته و به کمک هم، قضیه را به نفع مذهب وی - اعتقاد به قدم قرآن - خاتمه داد و علمای مخالف خود را از میدان به در برد و به سکوت وا داشت؛ اما از آن پس مذهب اهل حدیث، با محدوده‌ای که ابن حنبل برایش درست کرده بود، رایج شد و مذاهب دیگر را بدعت دانستند. متعاقب این جریان، کلیه گروه‌های محدثین - به منظور دفاع از دیدگاه‌های خود- با هم درگیر شدند و هر کدام نظر خاص خودشان را اظهار داشتند. این

اقدامات و سختگیری‌ها که مصادف با عصر امام هادی علیه السلام بود، سبب نفرت مردم از معتزله شد و متوکل عباسی خود جانب اهل حدیث (اشاعره) را گرفت و مسئله معروف به «محنة القرآن» را خاتمه داد؛ ولی بحث همچنان رونق داشت و تا مدت‌ها در جامعه اسلامی مطرح بود.^۸ تا جایی که ما اطلاع داریم در روایات اهل بیت و سخنان اصحاب ائمه هدی علیهم السلام بحثی در این زمینه به میان نیامد و شیعیان درباره آن سکوت اختیار کرده‌اند؛ اما در این باره نامه‌ای از امام هادی علیه السلام در دست است که طی آن به یکی از شیعیان خود دستور می‌دهد در این زمینه اظهار نظر نکنند و جانب هیچ کدام از حدوث قرآن و قدم آن را نگیرند. آن حضرت در نامه خود چنین نوشته‌اند:

بسم الله الرحمن الرحيم. خداوند ما و شما را از ابتلای در فتنه بر حذر دارد، اگر خود را از آن دو نگهداری به صلاح است و گرنه به هلاکت می‌افتی. به عقیده ما جدال و گفتگو درباره قرآن بدعت است و در گناه و مسئولیت آثار زشت ناشی از آن، سؤال‌کننده و جواب‌دهنده هر دو شریکند؛ زیرا سؤال‌کننده بی‌جهت درباره آنچه که به عهده‌اش نیست می‌پرسد و جواب‌دهنده را بدون هیچ دلیلی به خاطر آنچه از عهده وی خارج است زیر تکلیف می‌برد. آفریننده‌ای جز خدا وجود ندارد و غیر او، همه آفریدگان او هستند؛ قرآن نیز کلام خدا است، از پیش خود

اسمی بر آن نپذیر که در این صورت از ستمگران به شمار خواهی رفت. خداوند ما و شما را از افرادی که ایمان به غیب آورده و از خدا و روز جزا می‌ترسند قرار بدهند.^۹

با مذاقه در این پاسخ امام که طرح بحث مخلوق بودن قرآن و یا مخلوق نبودن آن را از اساس بدعت و غیر قابل اعتنا برشمردند و با تأکید هر چه بیشتر، شیعیان را نیز از ورود به این مباحث و توجه به اعتقادات دیگران در این امور، برحذر داشتند. لذا این موضع‌گیری‌ها، بهترین تدبیر و حرکت حکیمانه امام هادی علیه السلام در آن دوره بود و با این موضع‌گیری حکیمانه و صریح خویش، شیعیان را رهبری کرد و آگاه سازی ایشان در این مسیر سبب شد تا شیعیان گرفتار بحث بی‌حاصل نشوند و به دنبال آن، کناره‌گیری شیعیان از صحنه نزاع در این زمینه، مصون ماندن مذهب تشیع از آسیب‌های ناشی از این نزاع و هوشیاری بیشتر شیعیان را به دنبال داشت.

امام هادی علیه السلام، مبین صیانت قرآن از تحریف

تحریف قرآن از موضوعات مورد گفتگو در عصر امام هادی علیه السلام به شمار می‌رفت. در این عصر از یک سو فرقه حشویه از اهل سنت و از سوی دیگر برخی غلات شیعه بر آن بودند که قرآن کریم تحریف شده است و چه بسا کاتبان وحی، برخی از آیات قرآن را حذف کرده‌اند. در این عصر، پیدایش و رسوخ این اندیشه در جامعه اسلامی تا جایی پیش می‌رود که محدثانی چون بخاری^{۱۰} و مسلم^{۱۱} در مهم‌ترین آثار خود، احادیثی از عمر بن خطاب و عایشه نقل می‌کند که هنگام رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آیاتی در قرآن موجود بود و قرائت می‌شد؛ ولی اینک موجود نیست.^{۱۲} همچنین برخی از شیعیان غلوکننده مانند احمد سیاری که خود را از یاران امام هادی علیه السلام قلمداد می‌کردند در کتاب *قرائات* خود روایاتی جعلی نقل کرده که مضمون آنها تحریف قرآن کریم است. این عمل انحرافی غلات شیعه، حمله دیگر فرق

اسلامی به مذهب تشیع را نیز در پی داشت. اگر چه اهل سنت نیز به علت اشتغال کتاب‌هایشان به پاره‌ای از روایات نادرست حاوی تحریف، گرفتار آن بودند؛ اما با این حال چنانکه از /یضاح ابن شاذان و انتصار خیاط معتزلی بر می‌آید، در قرن سوم هجری، اتهام شیعه به تحریف قرآن بر سر زبان‌ها افتاده بود.^{۱۳} در برابر این اتهام، ائمه شیعه همواره اصالت را به قرآن داده و هر روایت مخالف با آن و نیز احادیثی که گویای تحریف در آن است را باطل اعلام داشته‌اند. امام هادی علیه السلام نیز ضمن رساله مفصلی که ابن شعبه حرّانی از آن حضرت نقل کرده است به شدت بر اصالت قرآن تکیه فرمود و آن را در مقام سنجش روایات و تشخیص صحیح از ناصحیح به عنوان معیاری دقیق اعلام فرموده است. علاوه بر این به صورت رسمی قرآن را به عنوان تنها متنی که همه گروه‌های اسلامی بدان استناد می‌کنند، مطرح ساخته‌اند. در این زمینه امام هادی علیه السلام در مرحله اول اخبار را به دو دسته تقسیم می‌نماید: نخست روایاتی که حق است و باید مبنای عمل قرار گیرد و دسته دوم اخباری که باطل است و باید از عمل بدان اجتناب شود. پس باید اجماع امت بر حقانیت قرآن از نظر همه فرق اسلامی را - که تردیدی در آن وجود ندارد - مورد توجه قرار داد. آنگاه می‌فرمایند در صورتی که قرآن بر صحت روایتی صحه گذاشت؛ اما گروهی از امت آن را نپذیرفت، بایستی بر صحت آن اعتراف کنند؛ زیرا که در اصل، بر حقانیت قرآن اتفاق نظر دارند. سپس به عنوان نمونه، حدیث ثقلین را با توجه به آیه ولایت و بر اساس شأن نزولی که برای این آیه در روایات اهل سنت نقل شده ذکر می‌کند. پس از آن درباره توضیح حدیث: «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الأمرین»^{۱۴} باز به سراغ قرآن می‌آید و با ارائه آیات متعدد، تأیید آن را از صحت حدیث ابراز می‌دارد. البته امام در طول استدلال خود ده‌ها آیه از قرآن که از جهتی بر جبر و از جهت دیگر به تفویض اشاره دارد ارائه می‌دهد و در پایان از سخنان محکم و متین امیر المؤمنین علیه السلام در این باره به عنوان شاهد استفاده می‌کند.^{۱۵} در نشستی دیگر در مورد مسئله‌ای اختلافی، امام با استناد به

قرآن، همه را ملزم به قبول نظر خود ساخت.^{۱۶} همچنین ایشان به صورت مکرر برای استنباط احکام شرعی از جمله مسائلی چون اختیارات حاکم اسلامی در اجرای حدود و سایر موضوعاتی مانند آثار ایمان از سر ترس، علم ائمه و ... استناد می‌کردند^{۱۷} که موضعگیری‌های صریح ایشان در این زمینه‌ها، تعیین و تبیین مبانی اصالت داشتن قرآن کریم و میرا دانستن قرآن از هرگونه تحریف، علاوه بر روشنگری و تکذیب ادّعای کسانی که خود را در لباس تشیّع مستتر کرده بودند و ندای تحریف قرآن را سر می‌دادند، در برابر آراء سایر مذاهب و فرق اسلامی نیز نظر ایشان به عنوان رهبر مذهب تشیّع بیان شد و حتی خطّ مشی و اصول این نظریه را برای سایر مذاهب و مکاتب فکری بیان داشتند و همگان را به رعایت آن فرا خواند.

امام هادی علیه السلام، مفسّر و جرعه نوش معارف قرآن کریم

از دیگر مباحث قرآنی در عصر امام هادی علیه السلام بحث مربوط به حوزه تفسیر و معارف قرآن است. گرچه بحث رواج مباحث تفسیری تنها مربوط به این عصر نیست؛ اما رواج یافتن مباحث کلامی و به وجود آمدن فرق مختلف در این دوره، این زمینه را به وجود آورد که هر یک از این فرق برای اثبات اعتقادات و نظریات خود از قرآن کریم استفاده کنند؛ چرا که در جوامع اسلامی قرآن کریم مهمترین مبنا و رکن اصلی اعتقادات است. لذا توجّه متکلمان و اندیشمندان اسلامی در این عصر به این مهم و اتّکا آراء ایشان به قرآن کریم، مسئله فهم دقیق مفاهیم این کتاب مقدّس را به امری لازم در این دوره مبدّل کرد. امام هادی علیه السلام نیز همانند سیره آباء معصومشان در این دوره رسالت تبیین و توضیح ثقل اکبر را بر عهده گرفتند. از مجموع شواهدی که به دست ما رسیده می‌توان اقدامات ایشان در زمینه تبیین و تفسیر قرآن را در مواردی همچون بیان شأن نزول،^{۱۸} بیان فضائل سور و آیات،^{۱۹} پاسخ به سوالات و شبهات قرآن،^{۲۰} بیان مفاهیم^{۲۱} و همچنین برداشت نکات فقهی^{۲۲} از قرآن کریم نام برد که در پایان همین

بحث نمونه‌هایی از این موارد ذکر خواهد شد. همچنین براساس مستندات، تفسیر بسیار مشروحی از مطالب تفسیری این امام وجود داشته که این اثر صد و بیست باب (جلد) بود و عالم خبیر، حاج آقا بزرگ تهرانی، این تفسیر را در نهایت اعتبار دانسته‌اند و ایشان استنادات خود، از جمله این که از حسن بن خالد برقی نقل شده که اصل آن تفسیر از امام هادی علیه‌السلام است؛ ولی از دست رفته و ناپدید شده است، را ذکر کرده‌اند.^{۲۳} هزاران افسوس که چنان تفسیر بزرگی با آن محتوای عالی، به دست ما نرسیده و معلوم نیست که در چه عصری گم شده و یا دست‌های مرموز خائنان آن را از بین برده است. این مطلب نیز در جای خود بیانگر عمق وسعت حوزه علمی امام نقی علیه‌السلام است که آن حضرت غیر از معارف اسلامی و عقاید و فقه تشیع، قرآن را به طور مشروح تفسیر کرده که مجلدات آن به ۱۲۰ جلد رسیده است. بعضی گمان کرده‌اند که این تفسیر، همان تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام است؛ ولی قطعا این گمان، بی‌اساس است، بلکه دو اثر، دو تفسیر بوده‌اند.^{۲۴} اگرچه اصل این تفسیر به صورت یک مجموعه منظم به دست ما نرسیده؛ اما در سایر کتب اسلامی بخصوص منابع شیعی می‌توان به صورت پراکنده مطالب تفسیری این امام همام را یافت و مورد مطالعه قرار داد.

در ذیل نمونه‌هایی از این مطالب ژرف و نکات مربوط به حوزه توضیح مفاهیم قرآن در کتب معتبر شیعه موجود است ذکر می‌شود:

عَلَّامَه مَجْلَسِی دَر بَحَارِ رَوَايَتِ كَرْدِه اَسْت كِه رَوِزِی مَتَوَكَّلْ یك نَوِیسنده نصرانی به نام /با نوح را صدا كرد و اطرافیان با كنیبه خواندن اهل كتاب را جایز نشمردند. متوكَّل استفتاء كرد و پاسخ‌های گوناگون شنید. از امام هادی علیه‌السلام نیز آن را پرسید. امام علیه‌السلام در پاسخ نوشت:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ﴾ (مسد: ۱). لذا متوکل از پاسخ ایشان فهمید که جایز است؛ زیرا خدا کافر را با کنیه خوانده است^{۲۵} و نیز در همین منبع نقل شده از امام هادی علیه السلام درباره آیه:

﴿لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ﴾ (فتح: ۲)؛ تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد، پرسیدند. ایشان فرمودند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کدام گناه گذشته و آینده‌ای دارد؟ این گناهان گذشته و آینده شیعیان علی علیه السلام است که خدا آن را بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله می‌نهد و از همه به خاطر او در می‌گذرد.^{۲۶}

عیاشی در تفسیر خود نقل کرده است امام هادی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه مباحله^{۲۷} به یک سوال مهم در این آیه پاسخ می‌گوید و سوال این است که اگر خداوند متعال، پیامبرش را دروغگو نمی‌دانست، پس چرا در این آیه از قرآن لعنت را به دروغگویان قرار داده و دروغ را به هر دو طرف نسبت می‌دهد؟! حضرت فرمودند: و اگر می‌فرمود: بیا بید مباحله کنیم و لعنت خدا را بر شما قرار دهیم، آنان برای مباحله نمی‌آمدند و گرنه خدا می‌داند که پیامبرش پیام‌های او را به مردم می‌رساند و دروغگو نیست.^{۲۸}

شیخ طوسی نیز نقل می‌کند که علی بن عمر عطار گفت: در روز سه‌شنبه خدمت امام هادی علیه السلام رسیدم. فرمود: تو را دیروز ندیدم! عرض کردم: در روز دوشنبه حرکت به سوی مقصد را دوست ندارم. امام هادی علیه السلام فرمود: ای علی! هر که می‌خواهد خدا او را از شرّ روز دوشنبه حفظ کند، در رکعت اول نماز صبح آن، سوره هل اُتی را بخواند. سپس امام هادی علیه السلام آیه:

﴿فَوَقَاهُمُ اللَّهُ وَ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَ سُرُورًا﴾ (انسان: ۱۱) را خواندند.^{۲۹}

همچنین با تدبّر در زیارت جامعه کبیره ایشان و استناد فرازهای این منبع والا و غنی به آیه‌های قرآن کریم، معرفت بی نظیر ایشان که حامل علم به حقایق آسمانی قرآند را بیشتر و بهتر برای

ما بازگو می‌کند. آنچه در این مبحث آورده شده تنها شمه‌ای از مباحث تفسیری ابوالحسن امام هادی علیه السلام است که به سبب اختصار کلام به گوشه‌ای از آن اشاره شده است و آنچه از ایشان در منابع و کتب اسلامی موجود است از حجم و غنای قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.

نتیجه گیری

عصر امام همام، حضرت ابوالحسن علی النقی علیه السلام، عصر ابتلای کیان جامعه اسلامی به جریان‌ها و مکاتب فکری مختلف پیرامون قرآن کریم به شمار می‌رود. در این عصر، رسوخ مکاتب فکری و جریان‌های جدید و نوظهور و مسائل چالش آفرین به جامعه اسلامی از یک سو و بهره‌گیری حکومت عباسیان از شیوه‌های سرکوب گرانه و دور نگه داشتن اهل بیت از جامعه اسلامی از سوی دیگر، زمینه را برای بروز مکاتب فکری مختلف در جامعه اسلامی فراهم آورد. این جریان‌ها و امواج ویرانگر آن، غالباً ثقل اکبر را مورد هدف قرار داده بود؛ اما در این برهه از زمان، هادی امت و حجت خدا بروی زمین طبق شرایط حاکم بر عصر خویش، با تدابیر حکیمانه به دفاع از این رکن دین اسلام پرداختند و این امر را به بهترین شیوه به انجام رسانیدند. گرچه حکومت دژخیم عباسی سعی داشت با اقدامات خود، این امام همام را با شیوه مختلف تحت کنترل خود قرار دهند؛ اما ایشان نیز همچون نیاکان وارسته خود، در شرایط مختلف، با استفاده از روش‌های گوناگون و اقدامات روشن گرانه و تدابیر حکیمانه، به اتخاذ موضع گیری مناسب در برابر این مکاتب فکری و جریان‌های انحرافی پرداختند.

پی نوشت‌ها:

۱. مهدی پور، محمود، امام هادی علیه السلام را بهتر بشناسیم، ص ۷.
۲. احمد امین، ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۱۶۲.
۳. رک: جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ج ۳، ص ۲۱۴.
۴. ابن اثیر، عزالدین محمد بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۶ ص ۴۲۳؛ سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، تاریخ الخلفاء، ص ۳۰۸.
۵. «محنة» از ریشه محن و به معنای «آزمایش»، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۷۶۲.
۶. تیمی الداری، تقی الدین عبدالقادر، الطبقات السنیه فی تراجم الحنفیه، ج ۱، ص ۲۹.
۷. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۴۶۴.
۸. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، تاریخ الخلفاء، ص ۳۰۶.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، ج ۱، ص ۶۱؛ ابن بابویه (صدوق)، التوحید، ص ۲۲۴، ح ۱۹۴.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحیح البخاری، باب رجم الحبلی من الزنا، ج ۲۳، ص ۱۳۱۷-۱۳۲۶.
۱۱. مسلم بن الحجاج القشیری النیشابوری، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۰۹-۱۳۱۱.
۱۲. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، الاتقان، ج ۲، ص ۷۰.
۱۳. جعفریان، رسول، «اسوه‌های بشریت، امام هادی علیه السلام»، ص ۹۵.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۸۹.
۱۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۳۳۸-۳۵۶.
۱۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۴۴۳؛ عطاردی قوجانی، شیخ عزیز الله، مسند الإمام الهادی، ص ۲۸-۲۹.
۱۷. رک: ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۴۲۳.
۱۸. رک: بحرانی، سید هاشم، البرهان، ج ۱۰، ص ۳۰۲، ذیل آیه ۲۰۸ سوره بقره؛ تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۴۹۶.
۱۹. رک: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۱۹؛ طباطبائی بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۵.
۲۰. رک: ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۴۰۲.
۲۱. رک: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۷۳، ح ۵۷.
۲۲. رک: حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۱۴۱.
۲۳. آقا بزرگ تهرانی، محمد بن حسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۲۸۵.
۲۴. رک: محمدی اشتهااردی، محمد، نگاهی بر زندگی امام هادی.

۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۹۱، ح ۴.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۷۳، ح ۵۷.
۲۷. ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ (انعام: ۱۵۱).
۲۸. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۷۶، ح ۵۵.
۲۹. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ص ۲۲۴، ح ۳۸۹.

منابع:

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۱. ابن اثیر، عزالدین محمد بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار الصادر، ۱۳۸۵ ش.
 ۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، التوحید، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۷ ش.
 ۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، دوّم، ۱۴۰۴ ق.
 ۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مشابه القرآن و مختلفه، تهران، انتشارات بیدار، ۱۳۷۶ ش.
 ۵. _____، مناقب آل ابی طالب، نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۷۶ ش.
 ۶. امین مصری، احمد، ضحی الاسلام، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ دهم، بی تا.
 ۷. آقا بزرگ تهرانی، محمد بن حسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
 ۸. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، موسسه البعثه، ۱۴۱۵ ق.
 ۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحیح البخاری، با شرح کرمانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
 ۱۰. تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
 ۱۱. تمیمی الداری، تقی الدین عبدالقادر، الطبقات السنیة فی تراجم الحنفیة، انتشارات ریاض، ۱۹۸۳ م.
 ۱۲. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۶ ش.

۱۳. محمدی اشتهاردی، محمد، نگاهی بر زندگی امام هادی علیه السلام، نشر نورحکمت، ۱۳۷۷ش.
۱۴. جعفریان، رسول، «اسوه‌های بشریت، امام هادی علیه السلام»، مجله نور علم، مرداد و شهریور ۱۳۷۱، شماره ۴۶.
۱۵. حرّعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۱ش.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۷. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
۱۸. _____، تاریخ الخلفاء، بغداد، مکتبه المثنی، ۱۴۱۶ق.
۱۹. طباطبائی بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعه، قم، المطبعه العلمیه، ۱۳۹۹ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم، دار الثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۱. عطاردی قوچانی، شیخ عزیزالله، مسند الامام الهادی ابی الحسن علی بن محمد، مشهد، کنگره جهانی امام رضا، ۱۳۶۹ش.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، نشر چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ش.
۲۳. القشیری النیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت، احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوّم، ۱۴۰۴ق.
۲۶. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت، دارالاندلس، ۱۴۰۸ق.
۲۷. مهدی پور، محمود، «امام هادی علیه السلام را بهتر بشناسیم»، کوثر-تابستان ۱۳۸۶، شماره ۷۰.